

A Sociological Look at the Efficacy of International Environmental Norms

Vahid Kosari 

Ph.D, Public International Law, Qom University, Qom, Iran

Mostafa Fazaeli* 

Associate Professor, Public International Law, Qom University, Qom, Iran

1. Introduction

Despite the abundance of international environmental norms, for various reasons, such as their implementation conflict with the developmental concerns of countries or the lack of consensus at the global level regarding environmental hazards, these norms have not been effective. The GEO-6 report in 2019 states that without additional policies, the trends in environmental degradation are projected to continue at a rapid rate and neither the Sustainable Development Goal targets nor other internationally agreed environmental goals are expected to be achieved, including the set goals regarding climate change, biodiversity loss, water scarcity, excess nutrient run-off, land degradation and ocean acidification, and so on. The usual procedure in legal research in such cases is to turn the audience's attention to the lack of a sufficient guarantee of these norms, the separation of domestic legal systems from the international, or the absence of necessary criminalization. Without intending to question these conventional legal researches, this essay

* Corresponding Author: m.fazayeli@qom.ac.ir

How to Cite: Kosari, V & Fazaeli, M, "A Sociological Look at the Efficacy of International Environmental Norms", *The Quarterly Journal of Public Law Research*, 25(81), (2024), 81-120.

Doi: [10.22054/QJPL.2023.71532.2859](https://doi.org/10.22054/QJPL.2023.71532.2859)

has tried to take a different path to deal with the challenges related to the "efficacy" or "effectiveness" of such laws with a sociological approach. Generally, having in mind the link between society and law, which is expressed in some famous and proverbial sentences such as "where there is society, there is law (Ubi Societas ibi jus) ", reference to the society and providing a sociological analysis of individuals' behavior and their reaction to the legal rules in domestic societies or the international community seems useful and even necessary. A sociological look at the factors of the underlying ineffectiveness of environmental norms brings forward theories about environmental sociology and social or economic justice, whose possible role and effects in international environmental law the current research aims to evaluate, with a descriptive-analytical approach and using library research.

Research Question(s)

An important question that we should seek to answer is why the mass of environmental norms are not as efficient as they should be, and governments, as the main members of the international community, have not shown much interest in employing and implementing them. The fact is that to increase the efficiency of legal norms, it is useful and even necessary to pay attention to the coordination between the rules and regulations and weigh them according to the standards of justice, rationality, social values, freedom, equality, etc. This is what we are trying to demonstrate through the concept of socialization of laws. In examining the effectiveness of laws, the formal legal binding of a rule is not taken into account alone, rather, some cases should be studied through a meta-analysis to analyze the individuals' behavior towards these norms. the result of such analysis is the effective implementation of legal rules as much as possible.

2. Literature Review

The current article deals with the efficacy of environmental norms in an interdisciplinary manner and it has not been yet researched and investigated to the extent of the authors' knowledge.

3. Methodology

Although, the efficacy of legal norms is raised after the formation or the identification of them, by observing the executive effects of legal norms and their pathology after their creation or recognition, we pave the way for their possible revision and proposing a reform in the legal system. Therefore, the purpose of this article is not only to look at the establishment of the norms and to examine the effectiveness of environmental sociological theories, but it also examines the behavior of international actors, especially governments, concerning pre-established norms. In this way, the methodology of this research in some parts is “Intrasystem” although it is mostly “Intersystem”; because, beyond the international environmental law system, it considers the role of other regimes. As an Intersystem study, in the framework of the present topic, the researcher is allowed, after observing the degree of realization of the rules in social practice, to review the entire process before and after the formation of the rules until their implementation.

4. Conclusion

Currently, despite the adoption of numerous environmental norms, for various reasons, countries, in general, have not shown much approval towards the implementation of environmental obligations. Two important factors of the inefficacy of these norms are: 1) their conflict with governments' developmental concerns and, 2) Lack of consensus and sufficient scientific knowledge at the global level.

through referring to some sociological theories, the following article seeks to find ways to strengthen environmental norms (at the stage of


establishing these environmental norms) and to influence the behavior of governments towards environmental obligations (at the stage of implementing the mentioned norms).

This research hypothesizes that by opening the door of international environmental law to some sociological theories and distancing it from others, it would be possible to achieve more efficient and effective environmental norms.


Keywords: Efficiency (Normative), Environmental Sociology, International Environmental Norms, Economic Development, Justice

تاملی جامعه‌شناختی بر کارآمدی هنجارهای بین‌المللی محیط زیستی

دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه قم، قم، ایران

وحید کوثری 

دانشیار گروه حقوق بین‌الملل دانشگاه قم، قم، ایران

مصطفی فضائی* 

چکیده

به‌رغم کثرت هنجارهای بین‌المللی زیست‌محیطی، به دلایل مختلفی از جمله تقابل اجرای آن با دغدغه‌های توسعه‌ای کشورهای و یا فقدان اجماع علمی در سطح جهانی پیرامون مخاطرات محیط زیستی، این هنجارها از کارآمدی لازم برخوردار نبوده‌اند. نگاهی جامعه‌شناسانه به عوامل ناکارآمدی هنجارهای محیط زیستی، نظریاتی در باب جامعه‌شناسی محیط زیست، عدالت اجتماعی و اقتصادی را پیش رو می‌نهد. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای، می‌کوشد نقش و آثار احتمالی آن نظریات را در کارآمدی قوانین بین‌المللی محیط زیستی تا حدی ارزیابی نماید. فرضیه پژوهش حاوی این نگاه است که با گشودن باب حقوق بین‌الملل محیط زیست به روی برخی از نظریات جامعه‌شناختی و بالعکس بستن آن به روی برخی دیگر از آنها، می‌توان به هنجارهای محیط زیستی کارآمدتر و اثربخش‌تری دست یافت که ثمره آن حفاظت بهتر از مامن حیات بشری یعنی زمین باشد.

واژگان کلیدی: کارآمدی (هنجاری)، جامعه‌شناسی محیط زیست، هنجارهای بین‌المللی محیط زیستی، توسعه اقتصادی، عدالت.

مقدمه

با وجود هنجارهای محیط زیستی متعدد و شکل‌گیری معاهدات پرشمار در حوزه حقوق محیط زیست،^۱ تخریب محیط زیست به دست بشر همچنان با سرعت ادامه داشته و زمین را در وضعیت اسفناکی قرار داده است.^۲ در همین راستا گزارش GEO-6 سال ۲۰۱۹ میلادی بیان می‌دارد: «در صورت عدم اتخاذ سیاست‌های تکمیلی، پیش‌بینی می‌شود که تمایل به تخریب محیط زیست با سرعت بیشتری تداوم یافته و اهداف توسعه پایدار و نیز اهداف زیست‌محیطی تعیین شده در سطح بین‌المللی، به‌ویژه در مورد تغییرات آب و هوایی، از دست رفتن تنوع زیستی، کمبود آب، رواناب بیش از حد مواد مغذی^۳، تخریب زمین و اسیدی شدن اقیانوس‌ها [...]»^۴، محقق نگردد.

پرسش این است که چرا حجم انبوه هنجارهای محیط زیستی آنچنان که باید کارآمد یا اثربخش نبوده و دولت‌ها به‌عنوان اعضای اصلی جامعه بین‌المللی، اقبال چندانی به اجرای آنها نشان نداده‌اند. رویه مرسوم در پژوهش‌های حقوقی در چنین مواردی، معطوف کردن ذهن مخاطب به سمت مسائلی چون فقدان ضمانت اجرای کافی، تفکیک نظام حقوقی داخلی از بین‌المللی و یا خلاء جرم‌انگاری‌های لازم است. این پژوهش بی‌آنکه قصد تخطئه تحقیقات حقوقی متداول را داشته باشد، می‌کوشد مسیر متفاوتی را در پیش گیرد تا با رویکردی جامعه‌شناختی به چالش‌های مربوط به «کارآمدی» یا «اثربخشی»^۵ قوانین بپردازد. گرچه معمولاً در چارچوب «فلسفه حقوق»، اعم از داخلی یا بین‌الملل به موضوع منشا

۱. در حال حاضر آمار معاهدات چندجانبه و موافقت‌نامه‌های دوجانبه به عدد ۵۰۰ رسیده است. برای مطالعه بیشتر رک:

Barchiche, D. et al., "Qu'attendre d'un Pacte mondial pour l'environnement?", Iddri, Décryptage, n°1, (2019), à la p. 1.

2. Rockström, J. et al. "A Safe Operating Space for Humanity", Nature, 461, (2009), pp. 472-475.

۳. «ورود رسوبات معلق و مواد مغذی توسط رواناب به خروجی آبخیز، یکی از مهمترین دلایل کاهش کیفیت سامانه‌های آبی است». شیرکوه ابراهیمی محمدی و همکاران، «تحلیل آورد رواناب، رسوب معلق و مواد مغذی ورودی‌های مختلف به دریاچه زریوار در پایه زمانی رگبار و آب پایه»، نشریه حفاظت منابع آب و خاک، سال دوم، شماره اول، (۱۳۹۱)، ص ۶۱.

4. The United Nations Environment Programme's Sixth Global Environment Outlook (GEO-6) Report, (2019), p. 486.

5. Effectiveness (effectivité).

الزام آوری قاعده حقوقی پرداخته شده و از رهگذر آن مکاتب حقوق طبیعی، حقوق ارادی، اصالت قاعده و حتی اصالت اجتماع سر بیرون آورده است^۱ اما به بحث کارآمدی یا اثربخشی قوانین از منظر جامعه‌شناختی کمتر توجه شده است. حال آنکه نظر به پیوند جامعه و حقوق که در جملاتی مشهور و ضرب‌المثل‌گونه همچون «هر جا جامعه است همانجا حقوق هم هست» (Ubi Societas ibi jus)^۲ و بیاناتی مانند اینکه «جایی که یک قدرت مشترک برخاسته از کل جامعه وجود ندارد، حقوقی وجود ندارد، و جایی که حقوق نباشد، اثری از عدالت نیست»^۳، تبلور یافته است، ضرورت رجوع به جامعه و تحلیل جامعه‌شناختی رفتار و واکنش افراد در جوامع داخلی یا دولت‌ها در جامعه بین‌المللی نسبت به قواعد حقوقی، مفید و بلکه ضروری می‌نماید.

این پژوهش همسو با تفکرات شارل شومن^۴ در دهه ۱۹۸۰ میلادی که بیان می‌داشت توضیح پدیده حقوقی را نمی‌توان منحصرأ در خودِ حقوق جستجو کرد^۵، درصد پاسخگویی به این پرسش برآمده است که چگونه می‌توان به مدد نظریات جامعه‌شناختی، زنجیرهای ناکارآمدی را از پای هنجارهای بین‌المللی زیست‌محیطی گشود و بر کارآمدی آنها افزود؟ چنین نگاه میان رشته‌ای به موضوع، در حد یافته‌های نگارندگان، فاقد سابقه پژوهشی بوده و تاکنون از کمند پژوهشگران خارج مانده است.^۶

لازم به تاکید است که اگرچه کارآمدی هنجارهای حقوقی اساساً مقوله‌ای است که پس از شکل‌گیری یا شناسایی آن هنجارها موضوعیت می‌یابد اما پس از مشاهده آثار اجرایی هنجارهای حقوقی و آسیب‌شناسی آن، مسیر بازنگری و پیشنهاد اصلاح نظام حقوقی

۱. پرویز ذوالعین، *مبانی حقوق بین‌الملل عمومی*، چاپ هشتم (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۹۵) ص ۴۳۵.

۲. هانری لوری برول، *جامعه‌شناسی حقوق*، ترجمه ابوالفضل قاضی (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳) ص ۱۵.

۳. سعید کافی انارکی، *درآمدی بر جامعه‌شناسی حقوق بین‌الملل* (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵) ص ۲۳.

4. Charles Chaumont.

5. Charles Chaumont, "Méthode d'analyse du droit international", RBDI, (1975), à la p. 32.

۶. البته با تمسک به این گفتار منتسب به حضرت امام علی (ع) که «علم نقطه‌ای بود، جاهلان آن را پراکنده کردند» («العلم نقطه کثرها الجاهلون»، عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۲۹)، انجام مطالعات بین رشته‌ای یا عبارت بهتر، این نوسان اندیشه میان شاخه‌های مختلف علوم بشری برای درک بهتر حقیقت که نوعی تلاش دوباره انسان برای همگرا کردن رشته‌های مختلف علمی و رساندن آن به همان «نقطه واحد» است، طبیعی به نظر می‌رسد.

مسدود نیست. بنابراین هدف مقاله صرفاً ناظر به مرحله وضع هنجارها و بررسی میزان تاثیرپذیری از نظریات جامعه‌شناختی محیط زیستی نیست بلکه می‌تواند رفتار بازیگران بین‌المللی بویژه دولت‌ها را نیز در قبال هنجارهای از پیش تاسیس شده شامل شود. بدین ترتیب روش مطالعه پژوهش در بخش‌هایی درون‌سیستمی اما غالباً برون‌سیستمی است چراکه فراتر از نظام حقوق بین‌الملل محیط زیست، تاثیرپذیری از سایر رژیم‌ها را مطرح نظر قرار داده است.^۱ در مقام مطالعه برون‌سیستمی در چارچوب موضوع پژوهش، پژوهشگر مجاز است پس از مشاهده نتیجه میزان تحقق قواعد در رویه‌های اجتماعی،^۲ کل فرآیند ماقبل و مابعد شکل‌گیری قواعد تا اثربخشی و اجرای آنها را مطرح نظر قرار دهد.^۳ راقمان این سطور بر این باورند که تقابل دغدغه‌های زیست‌محیطی با نیازهای توسعه‌ای کشورهای و همچنین فقدان اجماع علمی پیرامون مسائل زیست‌محیطی در زمره مهمترین عوامل ناکارآمدی هنجارهای محیط زیستی بوده و به منظور ارتقای کارآمدسازی این هنجارها، لازم است باب حقوق بین‌الملل محیط زیست را به روی برخی نظریات جامعه‌شناختی گشود و بالعکس به روی برخی دیگر از نظریات جامعه‌شناختی بست.

۱. مفهوم‌شناسی کارآمدی یا اثربخشی هنجارهای زیست‌محیطی

کارآمدی حقوق را «میزان تحقق قواعد حقوقی در رویه‌های اجتماعی» تعریف کرده‌اند.^۴

۱. علیرضا ابراهیم گل و محمد صالح عطار، «جایگاه نظریه، فرانظریه، روش و روش‌شناسی در حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۰، (۱۳۹۸)، ص ۱۷۷.

۲. بند (۱) این مقاله.

۳. عبارت «مشاهده نتیجه میزان تحقق قواعد در رویه‌های اجتماعی» که در تعریف کارآمدی مطرح می‌شود، ممکن است روش مطالعه «ترکیبی یا استقرایی» (Inductive Method) را به ذهن متبادر نماید که شناسایی «قواعد حقوق» از طریق «مشاهده تاثیر آنها در جامعه بین‌المللی» است لکن باید توجه داشت که روش ترکیبی یا استقرایی با تعریف صورت گرفته، مطالعه‌ای درون‌سیستمی است و صرفاً در مرحله شکل‌گیری هنجارها موضوعیت می‌یابد که باید در چارچوب فلسفه حقوق بین‌الملل مورد استناد قرار گیرد. برای مطالعه روش‌شناسی در حقوق بین‌الملل و ملاحظه منبع تعریف مزبور از روش ترکیبی یا استقرایی، رک: کریستین دومینسسه، «روش‌شناسی حقوق بین‌الملل»، ترجمه مصطفی فضائلی، پژوهش‌های علوم انسانی، دوره ۱، شماره ۱، (۱۳۷۸)، ص ۱۰۵.

4. P. Lascoumes et E. Serverin, "Théories et pratiques de l'effectivité du droit", Droit et société, n° 2, (1986), à la p. 101.

همان گونه که در مقدمه اشاره شد، درباره موضوع این پژوهش، نخستین ابهامی که ممکن است به ذهن مخاطب متبادر گردد این است که در حقوق بین الملل که اساساً وجود هنجار یا قاعده حقوقی به دلیل فقدان عناصر و اجزای کامل یک نظام حقوقی همچون نظام‌های داخلی، از سوی بسیاری از متفکران و منتقدان این رشته مورد تردید واقع شده است، چگونه می‌توان بحث کارآمدی و اثربخشی این قواعد را از منظر جامعه‌شناختی به میان آورد؟ در پاسخ به بخشی از این پرسش یا ابهام، اولاً بدون ورود به مباحث اثبات حقوق بین الملل که مطالب زیادی راجع به آن نگاشته شده است،^۱

اشاره به این مطلب شایسته است که باید مسیر فلسفه حقوق بین الملل و جامعه‌شناسی حقوق بین الملل را با مفروض قلمداد کردن وجود هنجار یا قواعد بین المللی از هم جدا کرد. ثانیاً کارآمدی قوانین را نباید با ویژگی‌هایی نظیر الزام آور بودن یا دارا بودن ضمانت اجرا در هم آمیخت؛ اگرچه برخی نویسندگان در تعریف قاعده حقوقی، داشتن ضمانت اجرا و سایر مشخصه‌های آن را ضروری شمرده و در تعریف قاعده حقوقی بیان می‌دارند: «قاعده کلی و الزام‌آوری که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود»^۲ و همچنین برخی متفکران همچون جان آستین^۳ نیز قوانین موضوعه را فرمانی می‌دانند که به طور کلی و با پشتوانه ضمانت اجرا (مجازات) از جانب یک مقام مافوق سیاسی (حاکم) صادر شده^۴ و افرادی مانند هانس کلسن^۵ نیز ضمانت اجرای اجبار کننده را شاخص قوانین حقوقی در تمایز از سایر قوانین اجتماعی و طبیعی برمی‌شمرند^۶ اما شاید رجوع به نوشته‌های برخی نویسندگان معاصر نظیر کربونیه^۷ و تلاش وی برای تفکیک میان مفهوم اثربخشی قوانین و

1. For Example See: Anthony D'Amato, "Is International Law Really 'Law'", Faculty Working Papers, n°103, (2010), pp. 1-20.

۲. ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۷) ص ۵.

3. John Austin.

۴. مهدی شهابی و مریم جلالی، «تاثیرپذیری منبع قاعده حقوقی از منشاء الزام‌آوری قاعده حقوقی»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۶، شماره ۷۷، (۱۳۹۱)، ص ۱۱۵.

5. Hans Kelsen.

۶. ذوالعین، همان، ص ۱۲۲.

7. J. Carbonnier.

دارا بودن ضمانت اجرا^۱ ما را بیشتر در روشن ساختن ابعاد موضوع حاضر یاری رساند. وی با ذکر مثال قانون کیفری «ممنوعیت سرقت» و مجازات آن (زندان) بیان می‌دارد که اعمال مجازات زندان در مورد سرقت لزوماً به معنای کارآمدی آن نیست زیرا در واقع آنچه اجرا شده، مجازات تعریف شده برای سرقت است نه قانون ممنوعیت سرقت که نقض شده است.^۲

در مثال کربونیه، اهداف اجتماعی قانون ممنوعیت سرقت یعنی بازدارندگی برای توصیف کارآمدی مطمح نظر بوده است و در مورد موضوعات زیست محیطی نیز می‌توان اهداف عینی وضع هنجارهای محیط زیستی^۳ یعنی حفاظت از کره زمین و حل معضلات زیست محیطی را به عنوان شاخصی مهم در ارزیابی کارآمدی آن تعیین کرد. بنابراین اثربخشی هنجارهای زیست محیطی بین‌المللی را می‌توان: «میزان تحقق و اجرای هنجارهای زیست محیطی در رفتار اشخاص ذیربط (دولت‌ها و دیگر بازیگران و ذینفعان بین‌المللی) به عنوان اعضای جامعه بین‌المللی» تعریف کرد. برخی از حقوقدانان حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست همچون ملژان دو بوآ^۴ ضمن رجوع به نوشته‌های شارل دو ویشر^۵، دو واژه

۱. باید توجه داشت که به هر حال هنجارهای حقوقی که ضمانت اجرا داشته باشند در مقام تعریف، یک هنجار حقوقی هستند هر چند که ممکن است کارایی یا کارآمدی نداشته باشند. بنابراین در تعریف این هنجارها، میزان کارایی یا کارآمدی آنها شرط نیست بلکه اجرا و ارزیابی آنها شرط است.

2. J. Carbonnier, "Effectivité et ineffectivité de la règle de droit", L'année sociologique, Vol. 9, (1958), à la p. 7.

۳. هنجار واژه‌ای است عام که در اینجا برای قواعد بین‌المللی محیط زیستی بکار گرفته شده است. هنجارها را بطور کلی از حیث درجه الزام می‌توان در دو دسته کلی «حقوق نرم» (Soft Law) که معمولاً از نظر حقوقی نیروی الزام‌آوری نداشته و اعتبار و قوت اجرایی آنها تنها در عمل ممکن است بروز نماید و «حقوق سخت» (Hard Law) یا حقوق الزام‌آور جای داد؛ لکن آنچه «هنجارهای محیط زیستی» را تا حدی از تقسیم‌بندی فوق متمایز می‌سازد آن است که ماهیت هنجارهای زیست محیطی حتی راجع به بسیاری از معاهدات و آن دسته از اسنادی که حسب ظاهر باید در دسته حقوق سخت جای گیرند، اساساً دارای ماهیتی منعطف و نرم بوده و «معمولاً متکی به پذیرش داوطلبانه دولت‌هاست تا پذیرش همراه با زور». برای مطالعه بیشتر رک: کولاسوریا لال کورو و نیکلاس رابینسون، مابنی حقوق بین‌الملل محیط زیست، ترجمه سید محمدمهدی حسینی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰) ص ۶۷.

4. Sandrine Maljean-dubois.

5. C. de Visscher.

«کارایی»^۱ و «قابلیت اجرا»^۲ را به عنوان معادل اثربخشی پیشنهاد می‌کند.^۳ شارل دو ویشر معتقد است زمانی می‌توان گفت که یک سند بین‌المللی از کارآیی برخوردار است که «محتوای آن با اهداف مطروحه متناسب باشد»^۴ همچنین به زعم ایشان «زمانی یک معاهده قابلیت اجرا خواهد داشت که بتوان بر اساس آن، رفتار مورد نظر برای ذینفعان را تعیین کرد».^۵

هنجارهای حقوقی چنانچه جامعه‌پذیر بوده و با نوعی اراده و باور درونی با اجرا نیز همراه باشند، کارآمدی بیشتری برای آنها قابل تصور است. البته این باور درونی را نباید با مفهوم «اعتقاد حقوقی»^۶ که به عنوان عنصر روانی بویژه در بحث شکل‌گیری عرف در حقوق بین‌الملل در کنار عنصر مادی (رویه متحدالشکل دولت‌ها) ذکر می‌شود در هم آمیخت. در واقع ورای عناصر مادی و معنوی لازم برای تولد حقوقی هنجارهای زیست‌محیطی که در اغلب موارد وجود دارد، کارآمدی این هنجارها در گرو اولویت دادن به اجرای آنها در تقابل با سایر نیازهای بشری است که نیازمند درک اهمیت موضوع محیط زیست بوده و بیشتر گفتمانی جامعه‌شناختی است تا حقوقی.

۲. جامعه‌پذیری حقوق زیست‌محیطی

در راستای مفهوم جامعه‌پذیری حقوقی گفته می‌شود «نظام حقوقی می‌تواند به کمک تعهد برآمده از نظام اجتماعی، «اجبار» را در پیروی از قانون به «تکلیف» و احساس «ترس» ناشی از نقض قانون را به احساس «شرم» یا «تقصیر» تبدیل کند».^۷ گرچه ممکن است ارتباط دوسویه و تنگاتنگی میان افزایش جامعه‌پذیری حقوق و رشد ضمانت‌اجراهای درونی و اخلاقی که ناشی از افزایش باور و اعتقاد جامعه است پدید آید اما در اینجا هدف تنها بیان

1. Efficacité.

2. Effectivité.

3. Sandrine Maljean-Dubois, "La quête d'effectivité du droit international de l'environnement, A quoi sert le droit de l'environnement?", Université Saint-Louis Bruxelles, (2018), à la p. 258.

4. Charles De visscher, *Les effectivités du droit international public* (Paris: Pedone, 1967), à la p. 18.

5. Maljean-Dubois, op. cit. à la p. 258.

6. Opinio Juris.

7. آزاده چلبی، فساد و مقبولیت قانون از منظر جامعه‌شناسی حقوق (تهران: نشر نی، ۱۳۹۷) صص ۴۴-۴۳.

این نوع ضمانت اجراهای درونی به صورت مستقل یا در تکمیل ضمانت اجراهای قانونی نیست. امروزه برخی از کشورهای غربی، جامعه‌پذیری حقوقی را تا بدانجا پیش برده‌اند که حتی از تغییر نهادهای موجود بر اساس آن سخن می‌گویند. این دسته از کشورها با به راه‌انداختن گفتمان مبتنی بر خودنظارتی یا خودانتظامی در قالب طرح‌هایی نظیر «پلیس محله»^۱ یا پلیس بدون اسلحه، آرزوی بازگشت به دورانی را در سر می‌پروراند که در آن تلاش مردم در جوامع سنتی^۲ بدون نیاز چندان به مداخله پلیس، مانع از ارتکاب جرایم می‌شد.^۳

واقعیت آن است که به منظور افزایش کارآمدی هنجارهای حقوقی که در اینجا به طور خاص بر هنجارهای زیست‌محیطی تاکید می‌شود، توجه به این نوع هماهنگی‌ها میان قواعد و مقررات و سنجش آنها در ترازوی عدالت، عقلانیت، ارزش‌های اجتماعی، آزادی، برابری و ... ضروری می‌نماید. این همان چیزی است که از رهگذر طرح مفهوم جامعه‌پذیری قوانین در صدد بیان آن هستیم. پروفیسور صانعی در اثر خویش سعی کرده تا با طرح مفهوم «انتظارات عمومی نسبت به ماهیت قوانین» در تکمیل آنچه پیشتر استادش پروفیسور مک دوگال،^۴ استاد حقوق دانشگاه ییل^۵ آمریکا، «انتظارات عمومی درباره صلاحیت» نامیده است، به القای این مطلب پردازد که گاهی اوقات ممکن است انتظارات مردم یک جامعه نسبت به قوانین موضوعه، علی‌رغم وضع آنها از طرف مقامات ذی‌صلاح مطابقت نداشته باشد. مثال ایشان در مورد ایران و قوانینی است که گاه از کشورهای خارجی اقتباس می‌گردد حال آنکه ممکن است فرهنگ و پیشینه مذهبی مردم با آن سازگاری نداشته باشد.^۶ گرچه ممکن است نکته پروفیسور صانعی را در چارچوب ایرادات

1. La police de proximité.

۲. این گفتمان جدید غرب را مستقیم یا غیرمستقیم، می‌توان محصول اندیشه‌های مذهبی و مقولاتی چون «امر به معروف و نهی از منکر» در اسلام دانست.

۳. ژان لوئی لویه دل بایل، پلیس و سیاست؛ رویکردی جامعه‌شناختی، ترجمه وحید کوثری (تهران: انتشارات سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، ۱۳۹۳) ص ۲۱۲.

4. Myres S. Mc Dougal.

5. Yale University.

۶. پرویز صانعی، حقوق و اجتماع؛ در رابطه با حقوق با عوامل اجتماعی و روانی (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷) صص ۶۶-۴۶.

وارد به «نظریه نمایندگی»^۱ قابل طرح دانست اما از رهگذر آن، ذهن در نهایت روی جامعه‌پذیر بودن یا نبودن قواعد حقوقی متمرکز خواهد شد که در حقوق بین‌الملل بطور کلی و در حقوق بین‌الملل محیط زیست بطور خاص صادق است، بویژه برای مثال وضع هنجارهایی که نتواند دیدگاه‌های کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در مسائل زیست‌محیطی^۲ را با یکدیگر همسو سازد.

اینکه تا چه حد تصمیمات و هنجارهای بین‌المللی زیست‌محیطی تامین‌کننده دیدگاه کشورهای مختلف بوده و اقتضائات مختلف آن کشورها یا عبارات بهتر «انتظارات کشورها از ماهیت هنجارهای زیست‌محیطی» را درک می‌نماید، در دایره بحث جامعه‌پذیری حقوق زیست‌محیطی جای خواهد گرفت. از نگاه برخی نویسندگان نیز این وضعیت یعنی وضع هنجارهایی که جامعه را در وضعیتی نامتوازن قرار دهد و فشارهای غیر یکسانی به آحاد مختلف جامعه وارد آورد نوعی «قطبی شدن هنجاری» است که باید آن را در شمار عوامل «اختلال هنجاری» توصیف کرد^۳ به زعم نگارندگان، وجود برخی از عوامل ناکارآمدی در مقابل هنجارهای زیست‌محیطی، مانع از جامعه‌پذیری آنها بوده که باید راهکار نظری مناسبی برای حل آن یافت. افزودن بر دایره این هنجارها و حتی جرم‌انگاری تخریب محیط زیست و تشدید ضمانت‌های اجرایی، به تنهایی و بدون برداشتن موانع جامعه‌پذیری نمی‌تواند به کارآمدی هنجارهای بین‌المللی زیست‌محیطی بینجامد.

1. Political Representation.

۲. در مذاکرات بین‌المللی بویژه راجع به مسائل زیست‌محیطی، کشورهای در حال توسعه کماکان تمایل دارند ذیل چتر کلی «کشورهای جنوب» ورود پیدا کرده و نسبت به تعهدات زیست‌محیطی از این منظر بحث و گفتگو نمایند. علت اصلی این تقسیم‌بندی و نگرانی‌های کشورهای در حال توسعه در قبال اصول و هنجارهای زیست‌محیطی، به ریشه‌های تاریخی آن بر می‌گردد و بی‌ارتباط با رفتارهای فرصت‌طلبانه کشورهای توسعه یافته نیست که در نبود معیارهای زیست‌محیطی حداکثر استفاده خویش را برای توسعه یافتگی برده‌اند. برای مطالعه بیشتر رک:

سید فضل‌اله موسوی، *حقوق بین‌الملل محیط زیست (تحقیقی از دانشگاه هاروارد)* (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۵) ص ۷۰.

۳. مسعود چلبی، *جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی)* (تهران: نشر نی، ۱۳۹۴) صص ۱۱۸-۱۱۲.

۳. مهمترین عوامل ناکارآمدی هنجارهای محیط زیستی

دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارشی با عنوان «خلاءهای حقوق بین‌الملل محیط زیست و متون مربوط به آن: به سوی پیمان جهانی محیط زیست»^۱، در مقام بیان کاستی‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست، به مواردی نظیر آنچه در پی می‌آید اشاره کرده است:

۱- فقدان چارچوب هنجاری جامعی که به منزله اصول و قواعد اجرای عام حقوق بین‌الملل محیط زیست باشد.

۲- حقوق بین‌الملل محیط زیست تکه‌تکه و واکنشی، تجزیه شده و فاقد انسجام کلی و قدرت هم‌افزایی میان شمار زیاد نظام‌های هنجاری بخشی

۳- وجود مشکل برقراری پیوند میان موافقتنامه‌های چندجانبه زیست‌محیطی و متون مربوط به آن به دلیل فقدان شفافیت‌شکلی و ماهوی شمار زیاد اصول زیست‌محیطی

۴- [...] فقدان اجماع بین‌المللی راجع به اصول زیست‌محیطی

۵- دشواری اجرای حقوق بین‌الملل محیط زیست هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی.^۲

افزون بر مشکلاتی نظیر کثرت هنجاری، تعدد نهادهای متولی موضوعات زیست‌محیطی، ناکارآمدی ساختار یونپ، فقدان مرجع قضایی مستقل رسیدگی به اختلافات زیست‌محیطی و سایر مواردی که می‌توان فهرست کرد، به منظور امکان ارائه‌ی تحلیلی جامعه‌شناختی و محدود به سطح هنجارها که موضوع پژوهش پیش رو است، «فقدان شفافیت» و «عدم اجماع بین‌المللی» (بندهای ۳ و ۴ قطعنامه‌ی فوق)، کلیدواژه‌هایی هستند که باید در لایه‌های عمیق‌تری آنها را مورد بحث قرار داد. این فقدان شفافیت و عدم اجماع پیرامون برخی از اصول زیست‌محیطی می‌تواند دارای ابعاد و زمینه‌های جامعه‌شناختی باشد که از نظر نگارندگان در دو موضوع تقابل حفظ محیط زیست با نیاز کشورها به توسعه اقتصادی و همچنین فقدان اجماع علمی کافی راجع به مسائل زیست‌محیطی موضوعیت بیشتری می‌یابد که در ادامه با تفصیل بیشتری مورد

1. A/RES/72/277, Towards a Global Pact for the Environment, 2018.

۲. علی مشهدی و وحید کوثری، «پیمان جهانی محیط زیست؛ از قوام نیافتگی منابع تا توسعه هنجارهای زیست‌محیطی ملل متحد»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، سال ۲۳، شماره ۹۰، (۱۳۹۹)، صص ۶۴-۶۵.

بحث قرار می‌گیرد.

۱-۳. تقابل حفاظت از محیط زیست با دغدغه‌های توسعه‌ای

رابطه میان توسعه و محیط زیست در سند اجرایی ژوهانسبورگ^۱ و همچنین اصل چهارم اعلامیه ریو^۲ و فصل هشتم دستورالعمل ۳۲۱^۳ مورد بحث قرار گرفته است. ضرورت ایجاد توازن میان هنجارهای زیست‌محیطی و فعالیت‌های اقتصادی به منظور مدیریت صحیح در این زمینه، امری است انکارناپذیر. در این راستا به نظر می‌رسد مفهوم «توسعه پایدار»^۴ اساساً شالوده ایجاد توازن میان هنجارهای زیست‌محیطی و حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی و نیاز آنها به توسعه و پیشرفت باشد. در تعریف توسعه پایدار، بر اساس گزارش برولند (آینده برای همه) مورخ ۱۹۸۷، گفته شده است: «تلاش برای برآورده ساختن نیازهای کنونی بدون لطمه زدن به ظرفیت نسل‌های آینده در برآورده کردن نیازهای خویش [...] این امر به هیچ وجه به معنای پایان بخشیدن به رشد اقتصادی نیست.

اگرچه رشد اقتصادی همواره برای محیط زیست مخاطره‌آمیز بوده است اما تصمیم‌گیرندگان وفادار به اصل توسعه پایدار به نحوی عمل خواهند کرد که اقتصادهای در حال توسعه پایگاه‌های بوم‌شناختی (اکولوژیک) آنها را در امان بدارد.^۵ دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه گابچیکوو-ناگیماروس (مجارستان علیه اسلواکی)، ۱۹۹۷ بیان داشته است: «بشر در گذر سال‌های متمادی به دلایل اقتصادی و غیراقتصادی در طبیعت مداخله کرده است. در گذشته انسان بدون توجه به آثار زیست‌محیطی دست به چنین اقداماتی می‌زده است. لیکن [...] مفهوم توسعه پایدار ضرورت برقراری آشتی میان توسعه اقتصادی و حمایت از محیط زیست است».^۶

1. The Johannesburg Plan of Implementation.

۲. «به منظور نیل به توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست جزء لاینفکی از فرآیند توسعه بوده و نمی‌تواند جدا از آن مدنظر قرار گیرد»، اصل چهارم اعلامیه ریو، ۱۹۹۲ میلادی.

3. Agenda 21.

4. Le développement durable.

5. Report of the World Commission on Environment and Development: Our Common Future, (1987), para. 42, p. 37, available at: <https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/5987our-common-future.pdf>, last visited 07 July 2021.

6. Hungary/Slovakia (1997), ICJ Reports, para. 140.

۱-۱-۳. «تردمیل تولید» اشنایبرگ؛ تشدید تقابل محیط زیست و اقتصاد

آلن اشنایبرگ، جامعه‌شناس آمریکایی (۲۰۰۹-۱۹۳۹ میلادی) از رهگذر نظریه تردمیل تولید (چرخه یکنواخت تولید)، درصدد بیان این مطلب برآمد که چگونه تلاش برای رشد اقتصادی، اقتصادهای پیشرفته را روی یک تردمیل گرفتار نموده و نه تنها حرکت روی این تردمیل به رفاه منتهی نمی‌شود بلکه منجر به ناپایداری زیست‌محیطی و بروز آسیب‌های جدی به آن می‌شود.^۱

وی این چرخه تولید را خاصیت اقتصادهای بازاری می‌دانست که شرکت‌ها را خواسته یا ناخواسته به سمت رقابت بی‌وقفه برای کسب سود بیشتر سوق داده؛ به مصرف‌گرایی انجامیده و هیچ ردی از دغدغه‌های زیست‌محیطی در آن مشاهده نمی‌شود.^۲ فارغ از ورود به مباحث و انتقادات مطروحه به اصل این نظریه، مباحث حاضر معطوف به آثار این نظریه در جوامع صنعتی از منظر اشنایبرگ است که معتقد بود میان تردمیل تولید و تقاضا برای حمایت از محیط زیست، نوعی تنش ایجاد می‌شود از این حیث که دولت‌ها را در وضعیت متناقضی گرفتار می‌نماید که باید همزمان ایفاگر دو نقش مروج توسعه اقتصادی و محافظ محیط زیست باشند.^۳

در واقع اگر مشی اقتصادی دولت‌ها نظیر تردمیل تولید، یکجانبه و بدون توجه به موضوع صیانت از محیط زیست ترسیم گردد، با بیگانه‌انگاری محیط زیست، هرگز دولت‌ها را به سمت آشتی با طبیعت سوق نخواهد داد. موضوع محیط زیست نباید رقیب فعالیت‌های اقتصادی تلقی گردد بلکه باید به چنان باور و اعتقادی دست یافت که فعالیت‌های اقتصادی را فعالیتی تعریف کرد که ضمن سودآوری و افزودن بر رفاه افراد

1. Dean Curran, "The Treadmill of Production and the Positional Economy of Consumption: The Positional Economy of Consumption", *Canadian Review of Sociology*, (2017), 54(1), p. 28.

۲. فیلیپ دبلیو ساتن، *درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط زیست*، ترجمه دکتر صادق صالحی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۷) صص ۱۲۸-۱۲۰.

۳. جان هانیگان، *جامعه‌شناسی محیط زیست*، ترجمه موسی عنبری و همکاران (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵) ص ۳۲.

جامعه، سازگار با محیط زیست باشد.

جان رالز فیلسوف آمریکایی قرن بیستم میلادی به منظور ایجاد توازن و برقراری آشتی میان اصول عدالت، برابری و کارایی (از بعد اقتصادی) مهم ترین اثر خود را با عنوان «نظریه عدالت» منتشر کرد.^۱

کارایی در نظام اقتصادی (کارایی پارتویی)^۲ گرچه ممکن است از عوامل مقبولیت قانون در نظام اقتصادی باشد اما به تنهایی عادلانه بودن نظام حقوقی را تضمین نمی کند. در فرازهای آغازین کتاب رالز آمده است: «[...] عدالت نخستین فضیلت نهادهای اجتماعی است همان گونه که حقیقت نخستین فضیلت نظام های فکری است. یک نظریه هر قدر هم جذاب و اقتصادی باشد، در صورت نادرستی، باید رد یا اصلاح شود؛ همچون قوانین و نهادها که علی رغم کارآمدیشان، در صورت ناعادلانه بودن، باید اصلاح یا لغو گردند. عدالت، خط قرمز افراد است که حتی رفاه جامعه در مجموع نمی تواند از آن عبور نماید [...]».^۳ جان رالز سپس در اثر خویش به منظور ارائه یک قرارداد اجتماعی

۱. ژان فرانسوا دورتیه، علوم انسانی؛ گستره شناخت ها، ترجمه مرتضی کتبی و همکاران (تهران: نشر نی، ۱۳۸۶) صص ۳۸۷-۳۸۸.

۲. نظریه کارایی پارتو که به اصل «بهینه سازی پارتو» (Pareto Optimality) نیز شهرت دارد، مبتنی بر وضعیتی فرضی است که منابع چنان بهینه تخصیص یافته است که از آن پس نتوان وضعیت رفاه یک فرد را ارتقا داد مگر آنکه رفاه فرد دیگری کاهش یابد. چنین وضعیتی را بهینه سازی پارتو می نامند. برای مطالعه بیشتر رک: محمدحسین کرمی، «دو چهره متفاوت روش شناختگی از بهینگی پارتو و تطبیق آن با رهنمودهای اسلامی»، فصلنامه علمی- پژوهشی روش شناسی علوم انسانی، سال ۲۴، شماره ۹۵، (۱۳۹۷)، ص ۹.

این دیدگاه بهینه سازی رفاه را ریاضی وار و فارغ از توجه به درصد افرادی که ممکن است در توزیع اولیه وضعیت بدتری نسبت به سایرین داشته باشند، مطرح می نماید. بعبارت دیگر مولفه عدالت توزیعی در اینجا موضوعیت نداشته و چنانچه «۹۰٪ ثروت جامعه دست یک نفر و ۱۰٪ بقیه بین سایر افراد جامعه توزیع گردد، وضعیت مزبور دارای مطلوبیت پارتویی است، چرا که بهبود وضع افراد جامعه موکول به بدتر شدن وضع آن یک نفر خواهد بود»: آزاده چلبی، همان، صص ۷۹-۸۰.

3. “[...] Justice is the first virtue of social institutions, as truth is of systems of thought. A theory however elegant and economical must be rejected or revised if it is untrue; likewise laws and institutions no matter how efficient and well-arranged must be reformed or abolished if they are unjust. Each person possesses an inviolability founded on justice that even the welfare of society as a whole cannot override [...]”, John Rawls, *A Theory of Justice*, Revised Edition, Massachusetts: Harvard University press Cambridge, (1971), p. 3.

عادلانه، قرار گرفتن افراد در «موقعیت آغازینی» را پیشنهاد می‌کند^۲ که «پرده ناآگاهی»^۳ نامیده می‌شود. از آنجا که ممکن است تعریف عدالت همواره مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از موقعیت شخصی افراد در جامعه و توجه به منافع و مزایای خود یا دیگران باشد، وی معتقد است اگر افراد در موقعیت آزادی و تنهایی مطلق قرار گرفته و بدون اطلاع از موقعیت شخصی خود نسبت به دیگران و بدون آگاهی از مزایای خویش در جامعه به تدوین ضوابط عام برای جامعه پردازند^۴، ناخودآگاه به صورت محتاطانه با تعریف بدترین شرایط برای خود درصدد تضمین حداقل‌هایی برای خویش برمی‌آیند که استراتژی «بیشینه-کمینه»^۵ است.^۶

تود آد/مز^۷ ضمن اشاره به معضل انتشار گازهای گلخانه‌ای از سوی کشورها با بهره‌گیری از «موقعیت آغازین» و «پرده ناآگاهی» رالز می‌نویسد افراد باید در موقعیت آغازین خطرات بیشتری را نسبت به فرض رالز در تضمین رفاه اقتصادی برای خود و منابع طبیعی خویش در نظر بگیرند.^۸ همچنین در مورد اختلاف دیدگاه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه راجع به معضلات زیست‌محیطی بویژه برای مثال سهم کشورهای توسعه یافته در انتشار گازهای گلخانه‌ای که افراد در موقعیت آغازین باید بصورت منصفانه در این مورد به قضاوت بنشینند.^۹ آنچه می‌تواند خروجی رالز از پس پرده ناآگاهی و راهبرد بیشینه-کمینه وی باشد، به نحو ملموس‌تری در چارچوب مفاهیمی چون معمای زندانی و تعادل نش قابل طرح است.

1. Initial Position.

۲. موقعیت آغازین رالز مشابه «حالت طبیعی» هابز و لاک است.

3. The Veil of Ignorance.

۴. ژان فرانسوا دورتیه، همان، ص ۳۸۸.

5. The Maximum Minimorum.

6. John Rawls, op. cit. p. 133.

7. Adams Todd B.

8. Todd B. Adams, "Rawls' Theory of Justice and International Environmental Law: A Philosophical Perspective", *Global Business & Development Law Journal*, 20, (2007), p. 5.

9. Ibid. p.12.

تعمیم نظریه معمای زندانی^۱ به حقوق بین‌الملل محیط زیست و انتظار تنظیم نوع رفتار کشورها نسبت به تعهدات زیست‌محیطی در مسائل مختلفی چون انتشار آلاینده‌ها، تولید زباله، بهره‌برداری از منابع دریایی و غیره بر اساس چنین پیش‌فرض‌های ذهنی از یکدیگر، مسیر چندان روشنی پیش روی معضلات زیست‌محیطی ترسیم نخواهد کرد.

در واقع تنظیم رفتار دولت‌ها هنگام مذاکرات بین‌المللی مربوط به تصویب کنوانسیون‌های زیست‌محیطی و یا حتی پس از آن در قالب نشست کنفرانس اعضای کنوانسیون کادر سازمان ملل متحد در مورد تغییر آب و هوا (۱۹۹۲)^۲ و پیشنهاد افزایش تعهدات خویش پیرامون کاهش گازهای گلخانه‌ای بر اساس نگاه عدالت‌جویانه رالز در موقعیت آغازین و پرده‌ناآگاهی یا در پیش گرفتن رویکرد معمای زندانی و انجام نوعی دوئل ذهنی با سایر کشورها که مبتنی بر منفعت شخصی باشد، می‌تواند تاثیر جامعه‌شناختی

۱. معمای زندانی ماجرای دو جنایتکار فرضی است که از سوی پلیس دستگیر شده و مسیرهایی برای آزادی یا مدت زندانی پیش روی آنها قرار داده می‌شود که به انتخاب طرف مقابل نیز بستگی دارد. در واقع پلیس این دو نفر را در اتاق‌های کاملاً جدا از هم نگهداری کرده و به آنها پیشنهاد می‌نماید که بر اساس مدارک و شواهد موجود می‌توان شما را به مدت یک سال زندانی کرد. در صورتی که هر کدام از شما به سرقت از بانک اعتراف کند و طرف مقابل را لو دهد، بخشیده شده و از زندان آزاد می‌شود. اما طرف مقابل به دلیل ارتکاب جرم سرقت، ۲۰ سال زندانی خواهد شد. در صورتی که هر دو نفرتان به جرم خود اقرار کنید، به طور متوسط به ۸ سال زندان محکوم خواهید شد.

در این مثال سرنوشت هر یک از این دو نفر به تصمیم طرف دیگر پیوند خورده و آنها مجبور به نوعی ائتلاف ذهنی با رقیب هستند که راه‌حل متوازن‌تری برای آنها به دنبال دارد. بنابراین در اینجا هر یک از آنها احتمالاً با خود چنین خواهد اندیشید که اگر طرف مقابل سکوت اختیار کند، بهترین راه‌حل اعتراف به جرم است زیرا در این صورت بجای یکسال زندان، آزادی در انتظارش خواهد بود اما در صورت اعتراف طرف دیگر، بهترین راه‌حل همان اعتراف است زیرا به جای وضعیت بدتر که همانا ۲۰ سال زندانی است می‌توان آن را به ۸ سال کاهش داد.

کوتاه سخن آنکه در نهایت هر دو نفر علی‌رغم احتمال وقوع وضعیتی بهتر برای خود، تصمیم خواهند گرفت با تکیه بر تصمیم احتمالی رقیب، در نقطه‌ای به توازن رسیده و با اقرار کردن، ۸ سال زندانی شوند. اگر هر دو نفر سکوت می‌کردند قطعاً هر دو وضعیت بهتری می‌داشتند زیرا فقط به جرم حمل اسلحه نهایتاً یکسال زندانی می‌شدند. رک:

گریگوری منکیو، نظریه اقتصاد خرد، ترجمه حمیدرضا ارباب (تهران: نشر نی، ۱۳۹۵) ص ۴۰۰.

2. The United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC), 1992. (La Convention-cadre des Nations Unies sur les changements climatiques (CCNUCC)).

عمیقی بر کارآمدی هنجارهای زیست‌محیطی برجای گذارد.^۱ نظریه مشابه دیگری که مطرح شده، تعادل نش است. در واقع رسیدن به نقطه‌ای از توازن در مثال معمای زندانی، همان چیزی که در قالب نظریه تعادل نش نیز بیان شده است. جان فوربز نش،^۲ ریاضیدان آمریکایی متولد سال ۱۹۲۸ میلادی در ایالت ویرجینیای غربی است. نش با فرض عدم هرگونه ائتلاف یا مشارکت میان بازیکنان معتقد است حتی اگر تمام بازیکنان درصدد کسب بیشترین مقدار و بالاترین سود برای خود تلاش کند، بازی آنها در جایی که «نقطه ثابت»^۳ نام دارد به توازن خواهد رسید.^۴

تعادل نش که از ریاضیات وارد دنیای اقتصاد شده به سرعت به یکی از مباحث مهم علوم اجتماعی و جامعه‌شناختی مبدل شده و تقریباً در سایر رشته‌ها نیز مطرح شد. در علم شیمی نیز برای تعادل نش مثال حل شدن شکر در آب را می‌توان مطرح کرد که با ریختن مقداری شکر در آب، ابتدا شکر در آب حل شده تا به مرحله اشباع برسد و پس از مدتی شکر و آب به توزانی می‌رسند که از آن پس افزودن شکر تنها به ته‌نشین شدن آن در انتهای لیوان منتهی می‌گردد.^۵ گرچه به زعم راقمان این سطور، تعادل نش امر چندان جدیدی نیست و پیش‌تر فلاسفه‌ای چون باروخ اسپینوزا^۶ به شکل دیگری آن را مطرح کرده‌اند. در واقع آنجا که اسپینوزا از نظم طبیعی کهکشان‌های ناشی از قوه جاذبه و دافعه میان کرات آسمانی سخن می‌گوید^۷، همان رسیدن به تعادل و توازن در روابط میان کشورها است که با ادبیات دیگری در قالب تعادل نش مطرح شده است.

۱. نکته حائز اهمیتی که باید مورد توجه قرار داد آن است که مثال‌های ارائه شده در این مقاله نظیر «معمای زندانی»، اگرچه ممکن است بیشتر در خلال مباحث و کتب اقتصادی مطرح گردد اما مفهومی کاملاً جامعه‌شناختی است که بیانگر روش مواجهه افراد با یکدیگر یا در مواجهه با قانون، در موقعیت‌های تعارض با منافع شخصی اعم از اقتصادی، سیاسی و ... است.

2. John Forbes Nash Jr.

3. Fixed Point Theorem.

۴. تام سیگفرید، ریاضیات زیبا؛ جان نش، نظریه بازی‌ها و جستجوی رمز طبیعت، ترجمه مهدی صادقی (تهران: نشر نی،

۱۳۹۱) ص ۸۶

۵. همان، ص ۸۴

6. Baruch Spinoza.

۷. پرویز ذوالعین، همان، ص ۷۱.

ادبیات معمای زندانی و تعادل نش در بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی از جمله در موضوعات زیست‌محیطی نیز ورود پیدا کرده است.^۱ تعادل نش و معمای زندانی را هم در سطح حقوق بین‌الملل محیط زیست و در چارچوب تعهدات زیست‌محیطی دولت‌ها می‌توان مطرح کرد و هم در موضوعاتی نظیر ایجاد توازن و تعادل میان هنجارهای زیست‌محیطی و دغدغه‌های اقتصادی.

آثار عملی کاربرد معمای زندانی و تعادل نش در سطح هنجارهای زیست‌محیطی چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد، چرا که اساس آن بر پایه نوعی از بی‌اعتمادی و پیش‌بینی حرکت منفی رقیبان بنا نهاده شده است. در شرایطی که فضای حاکم بر مناسبات زیست‌محیطی بین‌المللی مبتنی بر اختلافات متعددی همچون تقابل سیاست‌های کشورهای

۱. برای مثال بنگرید به برخی از عناوین مقالات و یادداشت‌های ذیل:

Andrei-Bogdan Sterescu, "The Prisoner's Dilemma in Environmental Politics: One Model to Rule Them All?", (2018), available at: <https://www.e-ir.info/2018/06/14/the-prisoners-dilemma-in-environmental-politics-one-model-to-rule-them-all/>
Marc Hassler, "What the "prisoner's dilemma" tells us about climate change", (2019), available at: <https://www.schroders.com/en/insights/economics/what-the-prisoners-dilemma-tells-us-about-climate-change/>
TIM HARFORD, "Climate change and the prisoner's dilemma", (2020), available at: <https://www.ft.com/content/5312691c-3d3c-11ea-b232-000f4477fbca>
Jeff Hong, "China's air pollution: Escaping the Prisoner's Dilemma", (2015), available at: <https://www.cb.cityu.edu.hk/CityBusinessMagazine/2015-Autumn/en/china-s-air-pollution-escaping-the-prisoner-s-dilemma>
Noël Bonneuil, Raouf Boucekkine, "Viable Nash Equilibria in the Problem of Common Pollution", (2016), halshs-01341983, available at: <https://shs.hal.science/halshs-01341983/document>
David Perez -Rebolledo & Katia Romero- leon "Economic behavior to the environmental equilibrium: analysis from game theory", (2016), University of Veracruz, Mexico, available at: https://sustainability.sciencesconf.org/data/pages/_B4.rebolledo.pdf.

محمدعلی اسعدی و همکاران، «کاربرد مدل نظریه بازی چندهدفه در تعیین تعادل اقتصادی- محیط زیستی حوضه آبخیز دریاچه زریبار مریوان»، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۱۱، شماره ۴۴، (۱۴۰۰)، صص ۲۲۰-۲۰۳.

«شمال» و «جنوب»^۱ و حتی میان کشورهای توسعه یافته و صنعتی است^۲، توسل به چنین نظریه‌هایی نمی‌تواند چندان راهگشا باشد. در واقع اگر سرنوشت زمین و تعهدات زیست‌محیطی را به نقطه توازن و تعادلی بسپاریم که کشورها، سوداگران و در اتاق‌های مجزای خویش به آن دست یافته‌اند، انتظار حمایت حداکثری از محیط زیست میسر نخواهد بود. نظام بین‌المللی زیست‌محیطی، گرچه ممکن است تا حدی دور از ذهن بنماید اما بیش از هر چیز به همکاری حداکثری کشورها، همبستگی و درجه‌ای از ایثار و از خودگذشتگی نیازمند است.

شاید اگر تعادل نش و ایده ایجاد توازن را نه به صورت درون‌رشته‌ای و در مورد هنجارهای زیست‌محیطی بلکه بیرون از آن و در ارتباط با دغدغه‌های اقتصادی بکار گیریم نتیجه مطلوب‌تری حاصل گردد. بعبارت دیگر در قالب مفهوم «توسعه پایدار»^۳ که اساساً شالوده ایجاد توازن میان هنجارهای زیست‌محیطی و حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی و نیاز آنها به توسعه و پیشرفت است^۴، موضوع نیازمند برقراری نوعی توازن میان تعهدات زیست‌محیطی و دغدغه‌های اقتصادی کشورها است که بدون توجه به چنین توازنی، امکان تحقق آرمان‌های زیست‌محیطی وجود نخواهد داشت. بنابراین شاید رجوع به نظریه‌های مذکور جهت دست یافتن به نوعی از تعادل و توازن میان این دو حوزه را بتوان تا حدی

۱. اصطلاح کشورهای شمال و جنوب نخستین بار از سوی جغرافیدانی آلمانی به نام هانس موفر در فاصله دو جنگ جهانی بکار رفت. به این معنی که کشورهای ثروتمند و پیشرفته در قسمت شمالی و کشورهای جهان سوم در بخش جنوبی کره زمین قرار دارند. بعدها این تقسیم‌بندی نه در معنای جغرافیای سیاسی خود بلکه عمدتاً در معنای اقتصادی وارد ادبیات محافل بین‌المللی شد. برای مطالعه بیشتر و عمیق‌تر رک: صمد کلاتری و عبدالرسول خلیلی، «جهانی شدن و روابط شمال و جنوب»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳، (۱۳۸۹)، صص ۵۰-۲۱.

2. Adil Najam, "Developing Countries and Global Environmental Governance: From Contestation to Participation to Engagement", *Int Environ Agreements* 5, (2005), p. 305, available at: <https://doi.org/10.1007/s10784-005-3807-6>, Last Visited 07 September 2021.

3. Le développement durable.

۴. همچنین برای مطالعه بیشتر راجع به مفهوم توسعه پایدار در دوره‌های زمانی مختلف، رک: محمد حسین رضانی قوام‌آبادی، «از ریو تا ریو: در تکاپوی توسعه پایدار»، فصلنامه تحقیقات حقوقی شهید بهشتی، شماره ۶۲، (تابستان ۱۳۹۲)، صص ۴۵۹-۴۰۹.

پذیرا بود.

۳-۱-۳. نگاه حاصل جمعی به اقتصاد و محیط زیست:^۱ از نظریه کارایی کالدور-هیکس^۲ تا نظریات آرتور پیگو^۳ و رونالد کوز^۴

یکی از مهمترین موضوعاتی که در اقتصاد مطرح می‌شود بحث کارایی است و علی‌رغم خاستگاه اقتصادی آن، در سایر رشته‌ها نیز کاربرد وسیعی یافته است.^۵ اهمیت کارایی تا بدان جایی است که برخی نویسندگان نظیر فرانسیسکو پارسی^۶، کارایی و توزیع را بطور یکسان از عناصر عدالت محسوب کرده‌اند.^۷ نظریه کارایی کالدور-هیکس که ریشه در سنت‌های فایده‌گرایانه دارد^۸، مبتنی بر ارجحیت انتفاع افرادی است که سود کردن آنها در مجموع، بهتر از متضرر شدن عده‌ای دیگر است. در واقع آنچه اهمیت دارد «مجموع کل سودها است که باید از مجموع ضررها بیشتر باشد».^۹

اگرچه در اینجا بر خلاف نظریات قبل، محیط زیست و اقتصاد کاملاً در مقابل هم قرار نمی‌گیرند اما رویکرد حاصل جمعی به این دو مقوله نیز که در مجموع سودها بیش از زیان

۱. همچون مطلبی که در پی نوشت شماره ۷۰ راجع به معمای زندانی بیان شد، اشاره به برخی نظریاتی که عمدتاً در حوزه مباحث اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته، نباید این تلقی را در ذهن مخاطب ایجاد نماید که این مباحث صرفاً مربوط به حوزه اقتصاد است. در واقع این نظریات برآمده از علوم اجتماعی به دلیل پیوند آنها به ذهن سوداگرانه انسان و نحوه مواجهه وی با پدیده‌های بیرونی، بن‌مایه جامعه‌شناختی داشته و در سایر حوزه‌ها نیز مطرح می‌گردد.

2. Kaldor-Hicks Efficiency.

3. Arthur C. Pigou.

4. Ronald Coase.

۵. یداله دادگر، «مروری بر تحولات مقوله‌ی کارایی در ادبیات اقتصادی (نظریه‌ها و کاربردها)»، پژوهش حقوق و سیاست، سال نهم، شماره ۲۳، (۱۳۸۶)، ص ۱۰۳.

6. Francesco Parisi.

7. “[...] Denying that one can trade off efficiency against justice, these scholars argue instead that efficiency and distribution are equally essential elements of justice, which is seen as a goal of a different order than either of its constitutive elements [...]”, Francesco Parisi, “Positive, Normative and Functional Schools in Law and Economics”, *European Journal of Law and Economics*, Vol. 18, No. 3, (2004), p. 19. Available at: file:/// C:/Users/99333/Downloads/SSRN-id586641.pdf, last visited 01 January 2022.

۸. آزاده چلبی، همان، ص ۷۲.

۹. همان، ص ۷۲.

حاصله باشد، به نفع محیط زیست نیست. شکل دیگر این نگاه در آرای آرتور پیگو و رونالد کوز متبلور شده است. «ایده محوری پیگو چنین است: شخص «الف» عملی را انجام می دهد اگر عمل مزبور سودی داشته باشد. حال اگر عمل «الف» هزینه ای را بر «ب» تحمیل کند لازم است هزینه مزبور (هزینه های بیرونی) به خود «الف» باز گردد و درونی شود. بنابراین لازم است نظام حقوقی افراد را ملزم به پرداخت کل هزینه های تولیدی خویش نماید. برای مثال اگر کارخانه ای که سود اقتصادی دارد تولیداتش منجر به آلودگی محیط زیست گردد، لازم است این کارخانه را به دلیل ایجاد آلودگی جریمه کرد»^۱. کوز با مخالفت با نظر پیگو معتقد است که تحمیل هزینه های بیرونی و درونی کردن آن لزوماً به کارایی منتهی نمی شود. در فرض کارخانه ای که تولیداتش منجر به خسارات زیست محیطی در زمین شخص دیگری می شود، بجای تحمیل هزینه های بیرونی بر کارخانه (جریمه آلودگی) ممکن است به این نتیجه برسیم که وارد معامله شدن با شخص متضرر و پرداخت مبلغی به وی برای تغییر کاربری زمینش، سود دو طرفه ای ایجاد کند که هم کارخانه با پرداخت پول کمتری بتواند به کار تولید خود ادامه دهد و هم شخص متضرر پول بیشتری نسبت به جریمه بدست آورد (کارایی پارتویی)^۲.

اهمیت مطالب فوق از منظر جامعه شناختی حقوق آن است که واضعان هنجارهای زیست محیطی از دریچه کدام دیدگاه به موضوعات جامعه می نگرند؟ برای مثال دیوان بین المللی دادگستری در قضیه کاستاریکا علیه نیکاراگوئه ۲۰۱۸، خسارات وارده بر محیط زیست به ماهو محیط زیست^۳ را مستحق دریافت غرامت توصیف کرد^۴، حال آنکه تا پیش از آن در اکثر رسیدگی های قضایی خسارات زیست محیطی تابعی از انسان و خساراتی بود که به حقوق وی (معیشت، رفاه و ...) وارد می شد.

بدیهی است با توجه به درهم تنیدگی قضایای زیست محیطی و موضوعات تجاری، چنانچه دیدگاه نظریه پردازان اقتصادی از رهگذر کارایی اقتصادی غالب گردد، آرمان

۱. همان، صص ۷۵-۷۴.

۲. همان، ص ۷۷.

3. Per se.

4. Costa Rica V. Nicaragua (2018), ICJ Reports, para 41.

نجات کره زمین به یغما خواهد رفت. دیدگاه اقتصادی محض اشخاصی نظیر کوز با ابتدای صرف بر سود و زیان، سایر ابعاد و حقوق انسان بر کره خاکی را در محاسبات خویش نادیده انگاشته است.

۲-۳. عدم اتقان و اجماع علمی کافی پیرامون مخاطرات زیست محیطی

همان گونه که اشاره شد، دومین عامل مهم ناکارآمدی هنجارهای زیست محیطی، عدم اتقان و اجماع علمی پیرامون مخاطرات زیست محیطی است. تحقق شروطی که در قسمت های قبل راجع به کارآمدی هنجارهای زیست محیطی از قول شارل دوویشراز جمله متناسب بودن محتوای کنوانسیون های زیست محیطی با اهداف مطروحه مطرح شد، آسان نیست زیرا اغلب، فقدان دانش کافی یا عدم اجماع میان دولت ها که در موضوعات زیست محیطی مشهودتر است، مانع از آن می شود تا متن شفافی از اهداف زیست محیطی مورد نظر را تنظیم کرد و سپس معاهده را منطبق با آن نگاشت. برای مثال کیفیت آب و هوا، وضعیت منابع زیست محیطی و یا نیازهای زیست محیطی به دلیل اختلاف نظرات علمی راجع به ماهیت و ابعاد معضلات زیست محیطی، مباحثی نیستند که صرفاً در قالب معاهدات بتوان انتظار بهبود یا شناسایی آنها را داشت.^۱

عبارت بسیار ساده تر مادامی که دقیقاً ندانیم برای چه اهدافی دست به وضع قوانین می زنیم، نمی توان کارآمدی آنها را آنگونه که باید به انتظار نشست. برنامه مونته ویدئوی چهارم که در سال ۲۰۰۹ میلادی با هدف ارزیابی اجرای تعهدات زیست محیطی برای دهه ۲۰۱۰ الی ۲۰۲۰ میلادی از سوی یونپ (UNEP) تصویب شد، مهمترین و نخستین رکن این برنامه را به بحث کارآمدی (اثربخشی) اختصاص داده است.^۲ در حال حاضر یکی از خلاءهای جدی یونپ، فقدان مرکزی علمی است که بتواند اطلاعات معتبر علمی و بیطرفانه ای را متناسب با اولویت های سیاسی دولت ها ارائه دهد.

در واقع سازمان ملل متحد فاقد مرجع و مرکزی علمی است که بتواند دانش علوم

1. Sandrine Maljean-Dubois, op. cit., p. 259.

2. Programme de Montevideo IV, UNEP/Env.Law/MTV4/IG/2/2, annexe I, (2018), p. 5. Available at: <https://www.unep.org/news-and-stories/blogpost/assessing-montevideo-iv-programme>, last visited 25 July 2021.

فیزیکی، طبیعی، اجتماعی و انسانی را به نحو جامعی با هم تلفیق کرده و مشکلات نوظهور را شناسایی نماید. این امر در تصمیم مورخ ۲۵ ژوئن ۲۰۰۲ میلادی اتحادیه اروپا موسوم به تصمیم کارتاگن نیز مورد تاکید قرار گرفته است.^۱

اگرچه در حال حاضر گروه کارشناسان بین دولتی تحولات آب و هوا (IPCC)^۲ وابسته به سازمان جهانی هواشناسی و یونپ، از جمله نهادهای حائز اهمیتی است که تلاش می کند به بررسی علمی و دقیق خطرات گرم شدن کره زمین با منشا فعالیت های انسان پرداخته و گزارش هایی نیز در این زمینه منتشر می نماید اما به هر روی از چنان جایگاه مورد اطمینانی نزد دولت ها برخوردار نیست. در ژانویه ۲۰۰۳ میلادی پروژ پیشنهاد تشکیل «گروه بین دولتی ارزیابی تغییرات زیست محیطی در سطح جهانی» (IPEC)^۳ را مطرح کرد. تاکید پروژ بر لزوم ایجاد نهادی بود که بتواند به نحوی منسجم تر و نظام مندتر تغییرات زیست محیطی در سطح جهانی و هزینه های اقتصادی ناشی از آن را مورد ارزیابی قرار دهد. این پیشنهاد به دلایل مختلفی از جمله موازی کاری نهادی، احتمال سیاسی شدن علم و تضعیف توان و منابع واحدهای علمی یونپ رد شد.^۴

۱-۲-۳. اعتماد به رهیافت های علمی: از نظریه برساخت گرایی اجتماعی تا

نظریه برساخت گرایی مشترک

کارآمدی یا آنگونه که بیان شده، تحقق هنجارهای محیط زیستی در جامعه بین المللی نیازمند درک میزان اهمیت مخاطرات زیست محیطی از سوی بازیگران بین المللی است. هرگونه تردید یا بی اعتمادی نسبت به آنچه دانشمندان راجع به خطرات و تهدیدات محیط

1. 2002/628/CE: Décision du Conseil du 25 juin 2002 concernant la conclusion, au nom de la Communauté européenne, du protocole de Cartagena sur la prévention des risques biotechnologiques, article 20, available at: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/FR/TXT/PDF/?uri=CELEX:32002D0628&from=FR>, last visited 19 August 2021.

2. The Intergovernmental Panel on Climate Change.

3. Intergovernmental Panel for Assessing Global Environmental Change.

4. Philippe Le Prestre, "La gouvernance internationale de l'environnement: une réforme elusive", *Etudes internationales*, XXXIX (2), (2008), p. 261.

۵. رک: قسمت ۱ مقاله.

زیستی مطرح می‌نمایند، می‌تواند مانع مهمی بر سر راه تحقق هنجارهای محیط زیستی و در نتیجه کارآمدی آنها ایجاد نماید. بر ساخت‌گرایان اجتماعی با طرح پرسش‌های مختلفی پیرامون منشا پیدایش ادعاهای زیست‌محیطی، در صدد یافتن پاسخ این پرسش هستند که چرا برخی موضوعات زیست‌محیطی، اضطراری قلمداد شده و حال آنکه برخی دیگر فاقد چنین مشخصه‌ای هستند.^۱

در واقع به‌زعم بر ساخت‌گرایان اجتماعی، این افراد هستند که حسب مولفه‌های اجتماعی مختلف، به موضوعات زیست‌محیطی درجات متفاوتی از اهمیت می‌بخشند نه اینکه در واقع چنین باشد. اگرچه بر ساخت‌گرایان منکر آثار طبیعت نیستند اما بر این عقیده‌اند که همواره امکان طرح آنها از سوی افراد در جامعه به همراه نوعی از بزرگنمایی وجود دارد.^۲ بر ساخت‌گرایان اجتماعی معتقدند که باید به شیوه‌های درک خود از جهان که به ظاهر بدیهی می‌نمایند با نگاهی انتقادی نگریست.^۳ بر اساس این نظریه، مفاهیم و موضوعات مطابق این نظریه بجای آنکه محصول عوامل طبیعی باشند، ساخته و پرداخته اجتماع و افرادی هستند که به نحوی از انحا با برخورداری از ارزش‌ها، علایق و نیازهای خاصی گردهم آمده‌اند.^۴

عرضه نظریه بر ساخت‌گرایی اجتماعی به مقوله محیط زیست که اساساً در تقابل با «واقع‌گرایی»^۵ است می‌تواند تمام پیش‌فرض‌های قطعی و علمی جهان راجع به مخاطرات زیست‌محیطی را زیر سوال برده و نگاهی تردیدآمیز را نسبت به آنها ایجاد نماید. «برساخت‌گرایی اجتماعی»^۶ نظریه‌ای در علوم اجتماعی است که آن را منتسب به پیتر برگر^۷ و توماس لاکمن^۸ در کتاب «ساخت اجتماعی واقعیت»^۹ می‌دانند؛ هر چند برخی ریشه‌های

۱. فیلیپ دبلیو ساتن، همان، ص ۵۵.

۲. جان هانینگان، همان، ص ۴۹.

۳. ویوین بر، *برساخت‌گرایی اجتماعی*، ترجمه اشکان صالحی (تهران: نشر نی، ۱۳۹۴) ص ۸.

۴. پول بوغوسیان، *هراس از معرفت*، ترجمه یاسر میردامادی (تهران: انتشارات کرگدن، ۱۳۹۵) ص ۳۴.

5. Realism.

6. Social Constructivism.

7. Peter Berger.

8. Thomas Luckmann.

9. The Social Construction of Reality.

تاریخی آن را به کارهای ماکس شلر^۱ و کارل مانهایم^۲ از رهگذر توسعه «جامعه‌شناسی معرفت»^۳ نسبت می‌دهند.^۴

نظریه برساخت‌گرایی اجتماعی، هیاهوی تبلیغاتی، رسانه‌ای و حتی علمی مربوط به تهدیدات زیست‌محیطی را بر نمی‌تابد و تأکیدی گاه افراطی بر مقوله اجتماع دارد. میدان دادن به نظریه برساخت‌گرایی اجتماعی در قلمرو محیط زیست در شرایطی که فقدان دانش کافی یا عدم اجماع میان دانشمندان، یکی از مهمترین دلایل ناکارآمدی هنجارهای زیست‌محیطی توصیف می‌شود چندان راهگشا نخواهد بود.

در مقابل، نظریه برساخت‌گرایی مشترک در قلمرو محیط زیست بویژه آرای آلن آیروین^۵ با تلفیق برساخت‌گرایی و واقع‌گرایی، در صدد آشتی میان این دو نظریه برآمده تا از فروکاست‌گرایی اجتماعی رویکرد نخست پیشگیری به عمل آورده و جامعه‌شناسی را طیف گسترده‌تری از یک مقوله صرفاً اجتماعی و برساخته آن و یا مقوله‌ای کاملاً علمی و طبیعی معرفی نماید.^۶

همه‌جانبه‌نگری اصل معقولی در دستگاه فکری آدمی است که از یکجانبه‌نگری و پافشاری بر نظریاتی چون برساخت‌گرایی اجتماعی پرهیز داده و تا حدی نظیر نظریه برساخت‌گرایی مشترک، سعی در توجه کردن به علل طبیعی وقایع پیرامون انسان، افزون بر تاثیر کنش‌های اجتماعی مفاهیم دارد.

به زبانی ساده‌تر، به نظر می‌رسد بتوان با حرکت در مسیر نظریه برساخت‌گرایی مشترک، راهکار میانه‌ای را برگزید که ضمن توجه به عوامل مختلف در مواجهه با پدیده‌ها و مفاهیمی مانند محیط زیست، نه فریب جنجال‌های گاه غیرواقعی رسانه‌ها راجع به تهدیدات زیست‌محیطی را خورد و نه کاملاً مقهور نظریات علمی پیچیده و گاه متناقض شد.

1. Max Scheler.

2. Karl Mannheim.

3. Sociology of Knowledge.

۴. رضا شیخه و همکاران، «بررسی تحلیلی مبانی رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی»، نشریه روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۱۰۳، (۱۳۹۹)، ص ۴۳.

5. Alan Irwin.

۶. همان، ص ۵۳.

۲-۳. از «اجتماع معرفتی»^۱ پیتر هاس^۲ تا «پارادایم»^۳ توماس کوهن^۴ وابستگی تصمیم‌گیری دولت‌ها پیرامون مسائل زیست‌محیطی به موضوعات علمی از یک سو و گاه وجود اختلافات میان دانشمندان در مسائل علمی مربوط به محیط زیست ایجاب می‌نماید که مرکز علمی مورد اعتمادی از سوی دولت‌ها تاسیس گردد. رسیدن به طیب خاطر و اقناع علمی، خواه هنگام وضع هنجارهای زیست‌محیطی و خواه در مرحله اجرا، موضوع مهمی است که می‌تواند بر کارآمدی هنجارهای زیست‌محیطی اثرگذار باشد.

مفهوم اجتماعات معرفتی که از سوی پیتر هاس مطرح شد، می‌تواند یکی از راهکارهای مطلوبی باشد که بر این مشکل غلبه نموده و دولت‌ها را در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی یاری نماید. از دید هاس، «اجتماع معرفتی شبکه‌ای متشکل از کارشناسان دارای تخصص و شایستگی شناخته شده در حوزه‌ای مشخص بوده که از جایگاه معتبری به لحاظ داشتن دانش مرتبط با سیاست در آن حوزه برخوردارند»^۵. وی مفهوم اجتماع معرفتی خود را تا حدی شبیه مفهوم «فکر جمعی»^۶ لودویگ فلیک^۷ می‌داند که در آن محققان به طور جمعی برای تولید یا بسط دانش با استفاده از چارچوب مشترک آداب و رسوم فرهنگی و کسب دانش تعامل دارند و نیز آن را تا حدی مشابه مفهوم «پارادایم» توماس کوهن در کتاب «ساختار انقلاب‌های علمی»^۸ توصیف می‌نماید که منظور از آن «دستاوردهای علمی مورد پذیرش همگانی است که برای یک دوره زمانی، الگوهای مسائل و راه‌حل‌ها را برای جامعه‌ای از کارورزان فراهم می‌آورند»^۹.

1. Epistemic Community.

2. Peter M. Haas.

3. Paradigm.

4. Thomas Khun.

5. Peter M. Haas, "Introduction: Epistemic Communities and International Policy Coordination", *International Organization, Knowledge, Power, and International Policy Coordination*, Vol. 46, No. 1, (1992), p. 3.

6. Thought Collective.

7. Ludwik Fleck.

8. *The Structure of Scientific Revolutions*.

9. توماس اس کوهن، *ساختار انقلاب‌های علمی*، ترجمه عباس طاهری (تهران: نشر قاصد، ۱۳۸۷) ص ۷۶.

در حال حاضر شاید بتوان تاسیس گروه کارشناسان بین‌دولتی (هیأت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی) (IPPC) را تا حدی مصداقی از تحقق اجتماع معرفتی پیترو هاس یا پارادایم توماس کوهن توصیف کرد اما به‌زعم نگارندگان، گروه کارشناسان بین‌دولتی (هیأت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی) به دلیل بقای سایر عوامل ناکارآمدی هنجارهای محیط زیستی بویژه نظیر کثرت هنجاری، تعدد نهادهای متولی موضوعات زیست‌محیطی، ناکارآمدی ساختار یونپ و ...، با تحقق کامل این مفاهیم جامعه‌شناختی فاصله دارد. به همین دلیل «عنصر پذیرش همگانی» که در تعاریف مفاهیم مذکور از دیدگاه پیترو هاس و توماس کوهن بیان شد، آنگونه که بایسته و شایسته است، محقق نگردیده و به کارآمدی هنجارهای محیط زیستی نینجامیده است.

نتیجه‌گیری

هنجارهای زیست‌محیطی بین‌المللی، ورای مباحث مربوط به منشا الزام‌آوری که در چارچوب فلسفه حقوق مطرح می‌شود، آنگاه می‌تواند در جامعه بین‌المللی اثربخش و کارآمد توصیف گردد که جامعه‌پذیر بوده و میزان تحقق آن به دلیل در نظر گرفتن مبانی جامعه‌شناختی آن و توجه به مولفه‌های عقلانیت، عدالت، آزادی و مانند آن مطمح نظر قرار گرفته باشد. در اثربخشی قوانین، حتی الزام‌آور بودن شکلی قاعده حقوقی با فرض کامل بودن تمام اجزای یک نظام حقوقی مدنظر نیست بلکه باید به عناصری در جامعه هدف هنجارهای حقوقی رجوع کرد که ثمره آن اجرای هر چه بیشتر آن قواعد حقوقی باشد. در حال حاضر به‌رغم تصویب هنجارهای زیست‌محیطی متعدد، به دلایل مختلفی کشورها در مجموع نسبت به اجرای تعهدات زیست‌محیطی اقبال چندانی از خود بروز نداده‌اند. دو عامل مهم ناکارآمدی هنجارهای زیست‌محیطی دانسته شد که عبارتند از: الف- تقابل با دغدغه‌های توسعه‌ای و ب- عدم اجماع و اتقان علمی کافی در سطح جهانی و برای هر یک از این دو عامل به نظریات جامعه‌شناختی مختلفی رجوع شد که از این رهگذر تحلیل‌هایی ارائه گردید.

بدین ترتیب برای عامل نخست ناکارآمدی یعنی تقابل با دغدغه‌های توسعه‌ای، نظریه جامعه‌شناختی تردمیل تولید‌اشنایبرگ، منش اقتصادی دولت‌ها را به نحوی ترسیم می‌نماید که واگرایی میان محیط زیست و اقتصاد را افزایش داده و بر دوگانگی آن خواهد افزود. متعاقباً نظریه عدالت جان رالز و رویکرد بیشینه-کمینه وی، از رهگذر موقعیت آغازین و پرده ناآگاهی مورد بحث قرار گرفت که بر خلاف معمای زندانی و تعادل نش که صرفاً بر مبنای چالش ذهنی مبتنی بر نوعی بی‌اعتمادی نسبت به رقباست، تا حدی مسیر اجرای عادلانه‌تر هنجارهای زیست‌محیطی را هموارتر نموده و کارآمدی بیشتری به ارمغان می‌آورد. ضمن آنکه از نظریه معمای زندانی و تعادل نش می‌توان به نحو شایسته‌تری بهره‌برداری کرده و بجای توازن میان منافع کشورها، در جهت ایجاد توازن و تعادل میان دو مقوله محیط زیست و اقتصاد بهره برد.

همچنین نگاه حاصل جمعی به اقتصاد و محیط زیست از منظر نظریه کارایی کالدور-هیكس و تفكرات پيكو و كوز نیز اگرچه از تقابل میان اقتصاد و محیط زیست فاصله می‌گیرد اما به دلیل غلبه نگاه سود و زیانی، در نهایت به نفع محیط زیست نخواهد بود. برای عامل دوم ناکارآمدی هنجارهای زیست‌محیطی یعنی فقدان اتقان و اجماع علمی کافی، تحلیل نظریه برساخت‌گرایی اجتماعی نشان داد که به دلیل تردیدهای نسبت به احکام علمی و تاکید بیش از حد بر مقوله اجتماع و کنش‌های اجتماعی نمی‌تواند ثمره چندانی برای محیط زیست داشته باشد. در مقابل نظریه برساخت‌گرایی مشترک به دلیل لحاظ کردن عوامل مختلف از جمله طبیعت و اجتماع، نوعی آشتی میان برساخت‌گرایی اجتماعی و واقع‌گرایی ایجاد می‌نماید که می‌تواند نگاه مفیدتری برای محیط زیست باشد.

تشکیل اجتماع معرفتی پیتر هاس و رجوع به مفهوم پارادایم توماس کوهن نیز منوط به اصلاح سایر عوامل درون سیستمی ناکارآمدی هنجارهای محیط زیستی نظیر کثرت هنجاری، تعدد نهادهای متولی موضوعات زیست‌محیطی، ناکارآمدی ساختار یونپ، راهکار مفیدی است که در آن به مدد گرد هم آمدن متخصصان آشنا به دانش مرتبط با سیاست در آن حوزه می‌تواند با تداعی مفهوم «فکر جمعی» لودویک فلک و «پارادایم» توماس کوهن، نظریات علمی مبنای تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی را مورد پذیرش

همگانی قرار داده و با افزایش اجماع علمی به کارآمدی بیشتر هنجارهای زیست محیطی منتهی گردد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Vahid Kosari



<https://orcid.org/0000-0002-9061-5580>

Mohstafa Fazaeli



<https://orcid.org/0000-0002-5018-2418>

منابع

الف - کتاب‌ها

- بر، ویوین، *برساخت‌گرایی اجتماعی*، ترجمه اشکان صالحی (تهران: نشر نی، ۱۳۹۴).
- بوغوسیان، پول، *هراس از معرفت*، ترجمه یاسر میردامادی (تهران: انتشارات کرگدن، ۱۳۹۵).
- چلبی، آزاده، *فساد و مقبولیت قانون از منظر جامعه‌شناسی حقوق* (تهران: نشر نی، ۱۳۹۷).
- چلبی، مسعود، *جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی)* (تهران: نشر نی، ۱۳۹۴).
- دلیو ساتن، فیلیپ، *درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط زیست*، ترجمه صادق صالحی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۷).
- دورتیه، ژان فرانسوا، *علوم انسانی؛ گستره شناخت‌ها*، ترجمه مرتضی کتبی و همکاران (تهران: نشر نی، ۱۳۸۶).
- ذوالعین، پرویز، *مبانی حقوق بین‌الملل عمومی*، چاپ هشتم (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۹۵).
- سیگفرید، تام، *ریاضیات زیبا؛ جان نش، نظریه بازی‌ها و جست و جوی رمز طبیعت*، ترجمه مهدی صادقی (تهران: نشر نی، ۱۳۹۱).
- صانعی، پرویز، *حقوق و اجتماع؛ در رابطه با حقوق با عوامل اجتماعی و روانی* (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷).

- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۷).
- کافی انارکی، سعید، درآمدی بر جامعه‌شناسی حقوق بین‌الملل (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵).
- کوهن، توماس اس، ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه عباس طاهری (تهران: نشر قصه، ۱۳۸۷).
- لال کورو، کولاسوریا و رابینسون، نیکلاس، مبانی حقوق بین‌الملل محیط زیست، ترجمه سید محمدمهدی حسینی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰).
- لوری برول، هانری، جامعه‌شناسی حقوق، ترجمه ابوالفضل قاضی (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳).
- لویه دل بایل، ژان لوئی، پلیس و سیاست؛ رویکردی جامعه‌شناختی، ترجمه وحید کوثری، (تهران: انتشارات سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، ۱۳۹۳).
- منکیو، گریگوری، نظریه اقتصاد خرد، ترجمه حمیدرضا ارباب (تهران: نشر نی، ۱۳۹۵).
- موسوی، سید فضل‌اله، حقوق بین‌الملل محیط زیست (تحقیقی از دانشگاه هاروارد) (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۵).
- هانیگان، جان، جامعه‌شناسی محیط زیست، ترجمه موسی عنبری و همکاران (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵).

مقاله‌ها

- ابراهیم گل، علیرضا و محمدصالح عطار، «جایگاه نظریه، فرانظریه، روش و روش‌شناسی در حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۰، (۱۳۹۸).
- ابراهیمی محمدی، شیرکوه و همکاران، «تحلیل آورد رواناب، رسوب معلق و مواد مغذی ورودی‌های مختلف به دریاچه زریوار در پایه زمانی رگبار و آب پایه»، نشریه حفاظت منابع آب و خاک، سال دوم، شماره ۱، (۱۳۹۱).
- اسعدی، محمدعلی و همکاران، «کاربرد مدل نظریه بازی چندهدفه در تعیین تعادل اقتصادی- محیط زیستی حوضه آبخیز دریاچه زریوار مریوان»، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۱۱، شماره ۴۴، (۱۴۰۰).
- دادگر، یداله، «مروری بر تحولات مقوله کارایی در ادبیات اقتصادی (نظریه‌ها و کاربردها)»، پژوهش حقوق و سیاست، سال نهم، شماره ۲۳، (۱۳۸۶).

- دو مینیسسه، کریستین، «روش‌شناسی حقوق بین‌الملل»، ترجمه مصطفی فضائلی، پژوهش‌های علوم انسانی، دوره ۱، شماره ۱، (۱۳۷۸).
- رضوانی قوام‌آبادی، محمد حسین، «از ریو تا ریو: در تکاپوی توسعه پایدار»، فصلنامه تحقیقات حقوقی شهید بهشتی، شماره ۶۲، (۱۳۹۲).
- شهابی، مهدی و مریم جلالی، «تاثیرپذیری منبع قاعده حقوقی از منشاء الزام‌آوری قاعده حقوقی»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۶، شماره ۷۷، (۱۳۹۱).
- شیخه، رضا و همکاران، «بررسی تحلیلی مبانی رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی»، نشریه روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۱۰۳، (۱۳۹۹).
- کرمی، محمدحسین، «دو چهره متفاوت روش شناختگی از بهینگی پارتو و تطبیق آن با رهنمودهای اسلامی»، فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۲۴، شماره ۹۵، (۱۳۹۷).
- کلانتری، صمد و خلیلی، عبدالرسول، «جهانی‌شدن و روابط شمال و جنوب»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳، (۱۳۸۹).
- مشهدی، علی و کوثری، وحید، «پیمان جهانی محیط زیست؛ از قوام نیافتگی منابع تا توسعه هنجارهای زیست‌محیطی ملل متحد»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، سال ۲۳، شماره ۹۰، (۱۳۹۹).

Referencess

Books

- De visscher, Charles, *Les effectivités du droit international public*, (Paris: Pedone, 1967).
- Rawls, John, *A Theory of Justice*, Revised Edition (Massachusetts: Harvard University Press Cambridge, 1971).

Articles

- Najam, Adil, “Developing Countries and Global Environmental Governance: From Contestation to Participation to Engagement”, *Int Environ Agreements*, Vol. 5, (2005).

- Sterescu, Andrei-Bogdan, “The Prisoner’s Dilemma in Environmental Politics: One Model to Rule Them All?”, (2018), available at: <https://www.e-ir.info/2018/06/14/the-prisoners-dilemma-in-environmental-politics-one-model-to-rule-them-all>.
- D’Amato, Anthony, “Is International Law Really ‘Law’”, Faculty Working Papers, No.103, (2010).
- Barchiche, D. et al., “Qu’attendre d’un Pacte mondial pour l’environnement?”, Iddri, Décryptage, No. 1, (2019), J. 28- Carbonnier, “Effectivité et ineffectivité de la règle de droit”, L’année sociologique, Vol. 9, (1958).
- Chaumont, Charles, “Méthode d’analyse du droit international”, RBDI, (1975).
- Perez-Rebolledo, David, & Romero-omero-leon, Katia, “Economic Behavior to the Environmental Equilibrium: Analysis from Game Theory”, (2016), University of Veracruz, Mexico, available at: https://sustainability.sciencesconf.org/data/pages/_B4.rebolledo.
- Curran, Dean, “The Treadmill of Production and the Positional Economy of Consumption: The Positional Economy of Consumption”, Canadian Review of Sociology, Vol. 54, No. 1, (2017).
- Hong, Jeff, “China’s Air Pollution: Escaping the Prisoner’s Dilemma”, (2015), available at: <https://www.cb.cityu.edu.hk/CityBusinessMagazine/2015-Autumn/en/china-s-air-pollution-escaping-the-prisoner-s-dilemma>.
- Hassler, Marc, “What the “Prisoner’s Dilemma” Tells Us about Climate Change”, (2019), available at: <https://www.schroders.com/en/insights/economics/what-the-prisoners-dilemma-tells-us-about-climate-change>.
- Bonneuil, Noël & Raouf Boucekkine, “Viable Nash Equilibria in the Problem of Common Pollution”, (2016), halshs-01341983, available at: <https://shs.hal.science/halshs-01341983/document>.

- Lascoumes P. et E. Serverin, “Théories et pratiques de l’effectivité du droit”, *Droit et société*, No. 2, (1986).
- Le Prestre, Philippe, “La gouvernance internationale de l’environnement: une réforme elusive”, *Etudes internationales*, XXXIX (2), (2008).
- Rockström, J. et.al., “A Safe Operating Space for Humanity”, *Nature*, No. 461, (2009).
- Maljean-Dubois, Sandrine, “La quête d’effectivité du droit international de l’environnement, A quoi sert le droit de l’environnement ?”, Université Saint-Louis Bruxelles, (2018).
- Harford, Tim, “Climate Change and the Prisoner’s Dilemma”, (2020), available at: [https:// www. ft. com/ content/5312691c-3d3c-11ea-b232-000f4477fbca](https://www.ft.com/content/5312691c-3d3c-11ea-b232-000f4477fbca).
- Peter M. Hass, “Introduction: Epistemic Communities and International Policy Coordination”, *International Organization, Knowledge, Power, and International Policy Coordination*, Vol. 46, No. 1, (1992).
- Todd B. Adams, “Rawls’ Theory of Justice and International Environmental Law: A Philosophical Perspective”, *Global Business & Development Law Journal*, Vol. 20, Issue. 1, (2007).

Documents & Cases

- A/RES/72/277, Towards a Global Pact for the Environment, 2018.
- Certaines activités menées par le Nicaragua dans la région frontalière (Costa Rica c. Nicaragua), Arrêt du 2 février 2018.
- Programme de Montevideo IV, UNEP/ Env. Law/MTV4/IG/2/2, 2018, annexe I.

- Report of the World Commission on Environment and Development: Our Common Future, (1987).
- The United Nations Environment Programme's sixth Global Environment Outlook (GEO-6) Report, (2019).
- The United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC), 1992.

In Persian

Books

- Boghossian, Paul, *Fear of Knowledge*, Translated by Yasser Mirdamadi (Tehran: Kargadan Publications, 2015).
- Brull, Henry Laurie, *Sociology of Law*, Translated by Abolfazl Ghazi (Tehran: Tehran University Press, 1974).
- Burr, Vivien, *Social Constructionism*, Translated by Ashkan Salehi (Tehran: Ney Publications, 2014).
- Chalabi, Azadeh, *Corruption and Acceptability of Law from the Perspective of Sociology of Law* (Tehran: Ney Publications, 2017).
- Chalabi, Massoud, *Sociology of Order (Theoretical Description and Analysis of Social Order)* (Tehran: Ney Publications, 2014).
- Dortier, Jean François, *Les sciences humaines panorama des connaissances*, traduit par Moréza Kotobi et al., (Tehran: Ney Publications, 2016).
- Hannigan, John, *Environmental Sociology*, Translated by Moussa Anbari et al., (Tehran: Tehran University Press, 2015).

- Lal Kuru, Kulasuriya & Robinson, Nicholas, “Fundamentals of International Environmental Law”, Translated by Seyed Mohammad Mahdi Hosseini (Tehran: Mizan Publications, 2011).
- Kafi Anarki, Saeed, *an Introduction to the Sociology of International Law* (Tehran: Khorsandi Publications, 2015).
- Katouzian, Nasser, *Introduction to Law Science* (Tehran: Ganj Danesh Publications, 2017).
- Kuhn, Thomas S., *The Structure of Scientific Revolutions*, Translated by Abbas Taheri (Tehran: Qesseh Publications, 2007).
- Kurukulasuriya, Lal & Nicholas A. Robinson, *Training Manual on International Environmental Law*, Translated by Seyed Mohammad Mehdi Hosseini (Tehran: Mizan Publishing, 2018).
- Loubet Del Bayle, Jean-Louis, *Police et politique: Une approche sociologique*, traduit par Vahid Kosari (Tehran: Naja Organization of Research and Studies Publications, 2014).
- Mankiw, N. Gregory, *Principles of Microeconomics*, Translated by Hamidreza Arbab (Tehran: Ney Publications, 2016).
- Moussavi, Seyed Fazlollah, *International Environmental Law (A Research from Harvard University)* (Tehran: Mizan Publications, 2015).
- Sanei, Parviz, *Law and Society; In Relation to Rights with Social and Psychological Factors* (Tehran: Tehran University Press, 1968).
- Siegfried, Tom, *A Beautiful Math. John Nash, Game Theory, and the Modern Quest for a Code of Nature*, Translated by Mehdi Sadeghi (Tehran: Ney Publications, 2011).
- Sutton, Phillip, *The Environment: A Sociological Introduction*, Translated by Sadegh Salehi (Tehran: SAMT Publications, 2017).

- Zul Ain, Parviz, *Fundamentals of Public International Law*, 8th Edition, (Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications, 2015).

Articles

- Asaadi, Mohammad Ali et al., “Application of the Multi-objective Game Theory Model in Determining the Economic-Environmental Balance in Zrebar Lake watershed in Marivan”, Vol. 11, No. 44, (2022).
- Dadgar, Yadollah, Evolutionary Trend of Economic Efficiency (Theory and Application), *Law & Politics Research*, Vol. 9, No. 23, (2007).
- Ebrahimgol, Alireza & Attar, Mohammad Saleh, “The Study of Theory, Meta-Theory, Method and Methodology in International Law”, *International Law Review*, Vol. 36, No. 60, (2019).
- Ebrahimi, Mohammadi Shirko et al., “Analysis of Runoff, Suspended Sediment and Nutrient Yield from Different Tributaries to Zarivar Lake in Event and Base Flows”, *Journal of Water and Soil Resources Conservation*, Vol. 2, No. 1, (2012).
- Fazaeli, Mostafa, “Methodology of International Law”, *Journal of Philosophical Theological Research*, Vol. 1, No. 1, (1999).
- Kalantari, Samad & Abdolrassuoul Khalili, “Globalization and the North-South Relations”, *Quarterly Journal of Political and International Research*, Vol. 1, No. 3, (2009).
- Karami, Mohammad Hossein, “Two Different Methodological Aspects of Pareto Optimality and Their Correspondence with Islamic Instructions”, *MSSH*, Vol. 24, No. 95, (2018).
- Mashhadi, Ali & Vahid Kosari, “Global Pact for the Environment; From Underdevelopment of Resources to the Development of United Nations Environmental Norms”, *Legal Research Quarterly*, Vol. 23, No. 90, (2020).

- Ramezani Qavamabadi, Mohammad Hossein, “De Rio a Rio: En requete du developpement durable”, Legal Research Quarterly, Vol. 16, No. 61, (2013).
- Shahabi, Mehdi & Maryam Jalali, “The Impacts of Basis of Binding Character of a Legal Rule on Its Source”, The Judiciary Law Journal, Vol. 76, No. 77, (2012).

استناد به این مقاله: کوثری، وحید و فضائلی، مصطفی، «تأملی جامعه‌شناختی بر کارآمدی هنجارهای بین‌المللی محیط زیستی»، پژوهش حقوق عمومی، ۲۵(۸۱)، (۱۴۰۲)، صص ۸۱-۱۲۰.

Doi: DIO: 10.22054/QJPL.2023.71532.2859



The Quarterly Journal of Public Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License